



آینده پژوهی در تاریخ

مهدی احمدی اختیار^۱

Mae.ah1388@yahoo.com

چکیده

موضوع آینده پژوهی در علوم مختلف، هرچند از سابقه ی دیرینه ای برخوردار می باشد، اما در چند دهه ی اخیر به طور جدی ذهن پژوهش گران و محققان آکادمیک را به خود مشغول ساخته است. اندیشمندان علوم مختلف به دنبال ترسیم آینده با استفاده از دانش تخصصی خود می باشند. در این میان مورخان نیز، با توجه به ماهیت و ظرفیت علم تاریخ، با علاقه و انگیزه ی مضاعفی این موضوع را در اولویت های پژوهشی خود قرار دادند. محققان تاریخ بر آنند تا با استفاده از یافته ها و مکانیسم های علم تاریخ به ترسیم آینده یا آینده های بدیل برای بشریت بیاندیشند. با ظهور نحله های جدید تاریخ نگاری همچون تاریخ محلی، تاریخ شفاهی، تاریخ مجاور، تاریخ جایگزین، تحقق این ایده بیش از پیش دست یافتنی تر به نظر می رسد. از این رو مورخان با شوق و انگیزه ی بیشتری به موضوع آینده پژوهی علاقه نشان دادند. مساله ی اصلی در پژوهش حاضر این است که علم تاریخ چگونه و از چه راهی می تواند آینده نگاری نموده و به ترسیم آینده ی بدیل پردازد؟

واژگان کلیدی: آینده پژوهی، تاریخ، تاریخ شفاهی، تاریخ جایگزین.

مقدمه

آینده نگری و خبر دادن از آینده، شاید، قدمتی به اندازه ی زندگی اجتماعی انسان در روی زمین داشته باشد. گواه این امر اهمیت علم نجوم در میان اقوام باستانی بوده است. به طوری که در دربار حاکمان و پادشاهان، گروه منجمین از اهمیت و منزلت ویژه ای برخوردار بودند. از این رو علم نجوم در بین تمامی اقوام و تمدن های بشری رایج و متداول بوده است. پیشگویی، پیش بینی آینده، و مشخص نمودن اوقات و ایام سعد و نحس از وظایف منجمین بود. با توجه به اطلاعات و اخباری که منجمین از آینده می دادند، از آینده ی مطلوب استقبال می شد و آینده ی نامطلوب را سعی می نمودند در مسیر و جریان دیگری انداخته، و آن را در مسیر بهتری هدایت کنند.

هر چند این نوشته بر آن نیست تا آینده پژوهی در معنا و مفهوم جدید آن را در حد پیشگویی و تفال منجمین گذشته تقلیل بدهد، ولی از سویی نمی توان پرداختن به آینده، کنجکاوی و تامل درباره ی آن توسط تمدن های باستانی را مورد غفلت قرار داد. منجمین و مورخین ادوار گذشته به نوعی آینده پژوهان آن دوران بودند که توانایی و تخصص آنها همواره مورد ستایش و احترام ملل باستانی بوده است. در تمدن های

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ محلی در دانشگاه اصفهان.



باستانی میان دو رود، ایران، مصر، هند و چین علم نجوم از پیشرفت و توسعه ی قابل توجهی برخوردار بوده است. مهم ترین دلیل و انگیزه ی ملل و تمدن های مزبور از توجه به این علم احتراز از آینده های شوم و رقم زدن آینده ی مطلوب بوده است.

آینده پژوهی

آینده پژوهی، شناسایی آینده، آینده پردازی، آینده گرایی، آینده پذیری، و پژوهش های آینده، از جمله عناوینی است که از سوی محققان و پژوهشگران رشته های مختلف جهت پرداختن به مطالعات آینده مورد استفاده قرار گرفته است. در توصیفی عمومی آینده پژوهی می تواند روش علمی و تجربی برای درک و فهم آینده باشد. آینده پژوهان، مهم ترین اهداف این علم را حفظ و یا بهبود آزادی و رفاه نوع بشر و ساختن آینده ای بهتر قلمداد نموده اند (خزائی و محمود زاده، ۱۳۹۲: ۲۸ و ۳۲).

آینده پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات به تجسم آینده های بالقوه و برنامه ریزی برای آنها می پردازد. آینده پژوهی منعکس می کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) امروز، واقعیت فردا تولد می یابد (محمود زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴). توصیف دیگر در این باره این است که آینده پژوهی دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده به شیوه ای آگاهانه، عاملانه و پیش دستانه است. این علم انسان را از غافل گیری در برابر توفان سهمگین تغییرات و پیشرفت های سراسر آور محافظت می کند. این دانش به انسان می آموزد که چگونه آینده ای مطلوب را برای خود، سازمان و یا جامعه ترسیم نماید. آینده اندیشی به توصیف آینده های ممکن الوقوع می پردازد و آن گاه از میان این آینده های ممکن الوقوع، محتمل ترین آن ها را با بهره گیری از انواع روش های کمی و کیفی مشخص می سازد (همان، ۱۶ و ۲۱).

سابقه ی آینده پژوهی

آینده پژوهی یا مطالعات آینده، حوزه ی پژوهشی نسبتا جدیدی است که قلمرو آن همه ی عرصه های معرفت نظری و تکاپوهای علمی آدمی را در می نوردد و نتایج حاصل از آن می تواند تاثیرات گسترده ای در هر یک از این عرصه ها داشته باشد. پرداختن به مطالعات آینده از اوایل قرن بیستم ذهن محققان را به خود مشغول ساخت. بذر آینده پژوهی در اندیشه های دانشمندانی چون ولز و آگبرن، در نیمه ی اول قرن بیستم، کاشته شد. اولین فعالیت آینده پژوهی در قالب یک تحلیل علمی در سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ توسط یک گروه محققین و با سرپرستی ویلیام آگبرن، در زمینه ی جامعه شناسی، در آمریکا انجام شد. این گروه موفق به آینده بینی های مهمی از جمله افزایش نرخ مهاجرت و ازدیاد طلاق شدند (محمود زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷). ولی با این حال تنها در دهه ی ۱۹۶۰ میلادی به طور جدی به این بحث پرداخته شد. نخستین گام عملی با تاسیس انجمن آینده ی جهان در سال ۱۹۶۶م در واشینگتن برداشته شد.

در همین راستا محققان و پژوهشگران مراکز معتبر دانشگاهی در سراسر دنیا به فکر پایه گذاری و راه اندازی یک رشته ی دانشگاهی جهت مطالعات آینده افتادند. در ایالات متحده ی امریکا "مطالعات آینده" به عنوان پذیرفته شده ترین عنوان برای این حوزه و به مثابه ی نامی برای یک رشته ی دانشگاهی مقبولیت یافت. هم اکنون دوره های دانشگاهی پرشمار و سر فصل های آموزشی گوناگونی در حوزه ی ترویج و آینده پژوهی در



سراسر جهان وجود دارد. به عنوان نمونه می توان به مراکز همچون: کالج آن آرونلد در مرلیند، نخستین دوره ی کارشناسی ارشد آینده پژوهی در دانشگاه هیوستون، مرکز کاوش های آینده پژوهی هاوایی وابسته به دانشگاه هاوایی، موسسه ی آینده نگاری استرالیا در دانشگاه سوپین برن، مرکز آینده پژوهی تام کانگ در تایوان اشاره نمود. علاوه بر این مراکز دانشگاهی، موسسات و انجمن های مشابهی نیز در سرتاسر دنیا در این زمینه فعالیت می کنند. "انجمن آینده ی جهان"، مشهورترین و معتبرترین این مراکز به شمار می رود. برخی از مسایلی را که انجمن مذکور مورد بررسی و تحقیق قرار می دهد عبارتند از: فرصت ها و چالش های سده ی بیست و یکم- اندیشه های آفرینشگر در عصر بحران- آینده نگاری، آفرینشگری و راهبرد (خزائی و محمود زاده، ۱۳۹۲: ۲۹-۳۱).

مورخین گذشته و آینده پژوهی

هر چند این نوشتار به دنبال آن نیست تا مفهوم آینده پژوهی، به عنوان یک حوزه ی پژوهشی جدید، را تقلیل داده و آن را با آنچه که از هزاران سال پیش انجام می شده است را یکسان و یک گونه بپندارد، اما با این حال با مطالعه در تمدن های پیشین می توان آثار و رگه هایی از این نوع تحقیقات و نگرش ها را در گذشته مشاهده نمود. در میان تمامی تمدن های بزرگ باستانی، علم نجوم که پیوند نزدیکی با وقایع نگاری و تاریخ نویسی داشت، همواره از پیشرفت و رونق قابل توجهی برخوردار بوده است (رایینسن، ۱۳۷۰: ۵۳ و ۱۱۹ و رفیع، ۱۳۷۸: ۳۶-۴۸). در واقع منجمین، مورخین زمان خود نیز بودند و یا حداقل با دانش تاریخ و مورخان پیوند نزدیکی داشتند. این امر با تامل در آثار مورخان به خوبی قابل درک و لمس می باشد. اغلب مورخین بزرگ در آثار و نوشته های خود به لزوم استفاده از علم تاریخ در پیش بینی و حتی پیشگویی آینده تاکید کرده اند. مورخان بر این باور بودند که آگاهی و شناخت دقیق از علم تاریخ می تواند قدرت و توانایی پیش بینی و شناسایی آینده در انسان را تقویت کند. آنها به نوعی گذشته را چراغ راه آینده می دانستند. از نظر مورخان مهم ترین فایده ی علم تاریخ "عبرت" بود. عبرت از گذشته می توانست به انسان ها نشان بدهد که چگونه از شکست ها و پیروزی های گذشتگان درس بیاموزند و از تکرار اشتباهات در آینده بپرهیزند. انسان با شناخت درست تاریخ می توانست آینده را در مسیر درست هدایت نموده و از پیشامدهای بد جلوگیری نماید. می توان ادعا نمود که از نظر مورخین بزرگ "عبرت" به معنای شناخت گذشته، برای ساختن حال و هدایت آینده بود. بنابراین اندیشیدن به آینده های بدیل را می توان در لابه لای سطور متون تاریخی جستجو نمود.

طبری که از وی با عنوان "ابوالمورخین" یاد شده است و نام دارترین مورخ بزرگ جهان اسلام در قرون اولیه می باشد، بر این باور است که با تبیین مبانی تاریخ روزگاران گذشته راهی باز گشوده می شود که مایه ی روشننگری و آگاهی خواننده ی نکته یاب می گردد (بلعمی، ج ۱، ۱۳۷۴: دوازده). ابن اثیر نویسنده ی تاریخ "الکامل"، عبرت آموزی را از فواید و کارکردهای علم تاریخ قلمداد نموده و مخاطب را به اندیشه کردن و عبرت گرفتن از گردش روزگار وا می دارد. وی در خلال سطور کتاب خود از پیش گویی حوادث سخن می راند و نمونه هایی از محقق شدن پیش گویی ها را ذکر می کند (ابن اثیر، ج ۱، بی تا: ۹۱-۸۶ و ۴۸). ابن اثیر یکی دیگر از فواید تاریخ را این گونه شرح می دهد: " سود دیگر تاریخ این است که آدمی از خواندن آن



تجربه می اندوزد و با رویدادها آشنا می شود و پی می برد که هر کاری برای شخص چه عواقبی به بار می آورد. زیرا هیچ واقعه ای روی نمی دهد جز این که عین آن یا همانند آن قبلا پیش آمده باشد. این موضوع خرد را فزونی می بخشد و کسی را که از حوادث عبرت می گیرد، به راه راست می آورد" (همان، ۴۰). این گونه ابن اثیر یادآور می شود که انسان با عبرت گرفتن از تاریخ می تواند از تحقق آینده های نامطلوب احتراز جوید و آینده ی مرجح خود را رقم بزند.

مسکویه، که به دلیل تحلیل ها و نظرات موشکافانه اش، در میان مورخان از جایگاه والایی برخوردار می باشد؛ تاریخ را مشتمل بر رویدادهایی می داند که انسان می تواند در زندگی فردی و اجتماعی خویش از آن پند گیرد و آن را در پیش آمدهایی که مانند آن همیشه پیش می آید و پیوسته روی می دهد فرا روی خویش بدارد. هنگامی که انسان آن حوادث و ارزش های آزموننی اش را بشناسد و از آن پند گیرد، این سبب خواهد شد تا از حوادثی که در تاریخ بر سر مردمی آمده است بپرهیزد و به آنچه سبب نیک بختی مردمی بوده است چنگ زند (مسکویه، ۱۳۸۹: ۴۵).

ابن فندق، که با نوشتن "تاریخ بیهق" بهترین نمونه از تاریخ نگاری محلی را در قرون گذشته رقم زد، دور اندیشی و گسترش افق دید انسان را از فواید علم تاریخ می داند و از نظر او مورخ بر بام جهان ایستاده است:

علم تاریخ گنج اخبار است	همچو باد شمال طیار است
هر که بر مرکبش سوار بود	دانش او یکی هزار بود
گر بصورت در این زمان باشد	او به معنی در آسمان باشد

از نظر ابن فندق تاریخ خزاین اسرار امور است که می تواند مردم را از سختی ها و پیشامدهای بد برهاند (ابن فندق، بی تا: ۷). وی معتقد است که با عبرت آموزی از تاریخ می توان به تدبیر و هدایت آینده پرداخت. چنان که می نویسد: "هیچ واقعه نباشد از خیر و شر که سانح گردد که نه در عهد گذشته مثل آن یا نزدیک بدان واقعه بوده باشد، و چنانکه اطباء از بیماری های گذشتگان که افتاده باشد و اطبای بزرگ آن را علاج کرده دستور سازند و بدان اقتدا کنند و آنرا امام دانند (همان، ۸). ایشان در ادامه به نوعی تاریخ را چراغ راه آینده می داند: "لاجرم هر که در تاریخ تامل کند در هر واقعه که او را پیش آید [...] چراغ شکیبایی بر افروزد" (همان، ۱۳). این برداشت از تاریخ را خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، در کتاب عظیم جامع التواریخ، چنین می نگارد: "عادت حکماء و علماء چنان است که معظمت وقایع خیر و شر هر زمان مورخ کنند تا بعد از آن اخلاف و اعقاب اولی الابصار را اعتباری باشد و احوال قرون ماضی در ادوار مستقبل معلوم ایشان شود" (رشید الدین فضل الله، ج ۱، ۱۳۳۸: ۱۷).

در میان مورخین متاخر اعتماد السلطنه، از مورخین و نویسندگان پر کار دوره ی قاجار، هدف از نگارش تاریخ را به نوعی تاثیر گذاری و فیض رسانیدن به آیندگان ذکر می کند (اعتماد السلطنه، ج ۱، ۱۳۶۳: ۳). ناظم الاسلام کرمانی، که با کتاب تاریخ بیداری ایرانیان نقطه ی عطفی را در تاریخ نگاری ایران رقم زد و تاریخ نگاری ایران را وارد مرحله ی نوینی نمود، هدف از مطالع ی تاریخ را "قیاس آینده از گذشته" بیان می دارد (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۱).



یکی از مورخین معاصر بر این عقیده است که تاریخ جوانان را زودتر از معمول به سطح عصر خویش می‌رساند. پنجره‌ها را بر روی آنها می‌گشاید، و به آنها اجازه می‌دهد تا عواملی را که در جهان آنها حاکم بوده است و هنوز هست بهتر بشناسد؛ آنچه را درخور ترک و طرد است از آن چه شایسته‌ی حفظ و نگه‌داری است تمیز دهند (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱۲).

نهایت این که هم جوشی و هم دردی با تاریخ و اعتقاد به روح فلسفی تاریخ باعث می‌شود تا مورخ وقایع و رخدادهای تاریخ را بی‌روح تجسم نکند و با آنها هماهنگ شده و وقایع تاریخی را مثل یک تجربه‌ی شخصی درک کند. با این نوع از نگرش به تاریخ بود که شیلر در سال ۱۷۹۳ ظهور ناپلئون را، شش سال قبل از وقوع آن، پیش بینی نمود. شیلر در رابطه با انقلاب فرانسه نوشت: "دیر یا زود مردی زیرک و پرتوان پدید خواهد آمد که نه فقط بر فرانسه بلکه بر قسمت زیادی از اروپا غلبه خواهد یافت". ولتر عقیده داشت که اگر مطالعه‌ی تاریخ را از بین ببرید با تجارب ناخوشایند گذشته مواجه خواهید شد (همان، ۱۹ و ۹۳). بنابراین آشنایی با تاریخ، عمق بیشتری به نگاه انسان می‌دهد تا در ورای حوادث نفوذ کند. تاریخ، زندگی کوتاه و محدود انسان را با زندگی دراز گذشته‌ی انسان پیوند می‌دهد و آن را عمیق‌تر و پر معنی‌تر می‌نماید. بدین سان، با یادآوری اشتباه‌های بزرگ گذشته، تاریخ می‌تواند انسانیت را از تکرار آنها، لا اقل با عمد و اختیار خویش، باز می‌دارد.

آینده پژوهی در تاریخ؛ (Futurology in history)

"نمی‌توان چیزی را ناشدنی پنداشت، زیرا رویای دیروز، امید امروز و واقعیت فردا است."

روبرت گودار

آینده پژوهان بر این باورند که آینده پژوهی برای پیش بینی آینده نمی‌کوشد، بلکه در پی آن است که آینده‌های بدیل و ممکن را توصیف کند. "پیتر بیشاپ" می‌گوید: شایسته است پیرامون آینده به عنوان چندین احتمال بدیل بیندیشیم، نه به فرجام قطعی و پیش بینی پذیر. کورنیش نیز بر این عقیده است که: آینده پژوهان با در پی پیش بینی آینده نیستند، بلکه می‌کوشند با معرفی احتمال‌های گوناگون آینده، گزینه‌های بدیلی از آینده را فرا روی ما قرار دهند (خزائی و محمود زاده، ۱۳۹۲: ۲۹ - ۳۳).

آینده پژوهان با مطرح کردن سوالاتی همچون: ما کجا هستیم؟ چگونه به این جا رسیده ایم؟ و به کجا می‌رویم؟ به دنبال اندیشه‌شناسی و تدوین ایدئولوژی‌های آینده هستند.

با این تفاسیر به نظر می‌رسد علم تاریخ می‌باید بخش قابل توجهی از بار مطالعات آینده را بر دوش بکشد. چنان که به باور برخی مطالعه‌ی تاریخ، بهترین روش برای پیش بینی آینده است (محمود زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰). از آنجا که موضوع علم تاریخ زندگی اجتماعی انسان می‌باشد، تاریخ بیش از سایر علوم می‌تواند به طراحی جوامع بدیل برای بشریت کمک کند. لکن اگر مورخان به دنبال آینده پژوهی و آینده نگاری باشند، می‌بایست دیگر تاریخ را تنها به مثابه‌ی "گفتگوی بی‌انتهای حال با گذشته" در نظر نگیرند، بلکه باید تعریف دیگری با مضمون "تاریخ؛ گفتگوی بی‌انتهای حال با گذشته و آینده" را نیز مد نظر قرار بدهند و پلی بین گذشته و حال و آینده برقرار نمایند. اما این که این امر - یعنی آینده پژوهی و آینده نگاری - تا چه



اندازه در تاریخ دست یافتنی است؟ و یا اصولاً یک مورخ با چه ابزارها و مکانیسم‌هایی می‌تواند به آینده پژوهی بپردازد؟ در صورت امکان، کدام نحله‌ها و مکاتب تاریخی از ظرفیت و شانس بیشتری در این زمینه برخوردارند؟ می‌تواند مورد تحقیق و پژوهش محققان تاریخ باشد.

مورخان در قرون اخیر با مطرح کردن مسائلی همچون: جبر گرایی در تاریخ، زایش و بالندگی و مرگ تمدن‌ها، مسیر و مقصد تاریخ به دنبال پیش‌بینی در تاریخ بودند. اما در آینده پژوهی هدف اصلی ارایه‌ی توصیفی از جوامع بدیل می‌باشد نه پیش‌بینی آینده. آینده پژوهی با این شاخصه، در قرن بیستم بنا به دلایلی مورد توجه مورخان قرار گرفت. چرا که قرن بیستم با حوادث بزرگ و مهیبی همچون جنگ‌های جهانی جان میلیون‌ها انسان را گرفت. به همین دلیل مورخان، به مانند دیگر متفکران علوم انسانی، به دنبال یافتن پاسخی به این سوال بودند که چگونه می‌توان در آینده جلوی تکرار چنین حوادثی را گرفت؟ تاریخ‌نگاری سنتی نمی‌توانست پاسخگوی چنین سوالی باشد، از این رو گرایش‌ها و نحله‌های جدید تاریخ‌نگاری همچون: تاریخ محلی (در مفهوم جدید آن)، تاریخ شفاهی، تاریخ جایگزین، تاریخ مجاور، تاریخ خرد، و تاریخ فرودستان، ظهور بروز یافتند و مسایل آینده پژوهی را کم و بیش در تحقیقات خود منعکس نمودند.

برخی از محققین از نگرشی با عنوان "تاریخ آینده Future history" سخن می‌گویند که به پیش‌بینی یا بسط شاخصه‌های موجود پرداخته و به سناریو نویسی جهت بسط آن‌ها می‌پردازد (نورائی، <http://localhistory.ir>). بنا بر نظر یکی دیگر از پژوهشگران، تاریخ از یک زنجیره‌ی منظمی برخوردار می‌باشد (استنفورد، ۱۳۸۶: ۱۷). اگر سخن مزبور را بپذیریم، با تعقیب و مطالعه‌ی این زنجیره می‌توان سیر حوادث را در آینده پیش‌بینی نمود.

بسیاری از فیلسوفان تاریخ اعتقاد داشتند که مطالعه‌ی گذشته پرده از الگوها و عللی بر می‌دارد که در آینده نیز باید ادامه داشته باشند، زیرا آنها بنیان تمام تاریخ اند. برای مثال، مارکس بر این باور بود که نزاع طبقاتی در آینده خواهد داشت تا این که پرولتاریا، نخستین جامعه‌ی کاملاً بی‌طبقه، و همچنین نخستین جامعه‌ی کاملاً آزاد را پدید آورد (همان، ۳۷۵).

گرایشهای مزبور به دلیل نوع مطالعات و تحقیقاتی که انجام می‌دهند از بخت بیشتری جهت مطالعات آینده برخوردار می‌باشند. موضوع مورد مطالعه‌ی آنها نه گذشته‌های دور، بلکه جامعه‌ی مجاور و نزدیک آنها است، جامعه‌ای که فاصله‌ی چندانی با آینده ندارد و با انسان‌هایی سر و کار دارند که بخشی از آینده می‌باشند. همچنین تکرر گرایی در نحله‌های جدید تاریخ‌نگاری-که تاریخ‌نگاری کلاسیک فاقد آن بود- شناخت جامع‌تری از ابعاد گوناگون جامعه در اختیار مورخ قرار می‌دهد.

آینده پژوهی در تاریخ محلی؛ (Futurology in Local history)

اگر هدف از آینده پژوهی را- آن چنان که صاحب نظران این حوزه اعتقاد دارند- اندیشیدن به گزینه‌های محتمل و بدیل از آینده در نظر بگیریم، تاریخ محلی بنابر ماهیت و نوع تحقیقات و همچنین موضوعات مورد مطالعه در آن، می‌تواند نزدیک‌ترین و محتمل‌ترین بدیل از آینده را ارایه نماید.

مورخ محلی به دلیل تمرکز در محدوده‌ی معینی از جغرافیا، انسان، فرهنگ، قلمرو اداری، مذهب، زبان و محدوده‌هایی از این قبیل، بیش از سایر مورخان به لایه‌های بنیادین و عمیق جامعه وارد می‌شود. بنابراین



رمزگشایی و شناسایی هسته ی سخت جوامع به دست مورخ محلی صورت می گیرد. این گروه از مورخین می توانند آرمان ها و حتی بینش های حاکم بر جامعه را واکاوی و رمزگشایی نمایند. مهندسی فکری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی، و حتی ایدئولوژی جوامع در تاریخ محلی امکان پذیر می باشد. مورخ محلی می تواند آینده نگاری نموده و پاسخ گوی ضرورت ها و سوالات آینده باشد و جوامع محتمل و بدیل آینده را توصیف نماید. در این بین تاریخ شفاهی نیز می تواند به عنوان ابزاری کارساز و سودمند مورخ محلی را یاری نماید.

آینده پژوهی در تاریخ جایگزین؛ (Futurology in alternate history)

رویکرد اساسی در باب تاریخ جایگزین آن است که در نگاه به گذشته این پرسش مطرح شود: چه می شد اگر؟ (what if?) اگر برخی وقایع بزرگ تاریخ به گونه ای دیگر رخ می داد، چه می شد؟ و در آن صورت مسیر تغییرات در جهان چگونه بود؟ پرسش همگانی "چه می شد اگر؟" که اغلب می توان آنها را در افسانه ها یافت: "چه می شد اگر نازی ها در جنگ جهانی پیروز می شدند؟" در واقع پاسخی است به مسیر غیر موجود تاریخ بشری در هر مقطع. تاریخ جایگزینی می تواند تنها یک نوع سبک ادبی باشد، اما دلیل تعلقات خاطر به تاریخ، سیاست، فرهنگ و راهبرد ها، و سایر مطالب اسباب دفاع از این سبک می شود. مردم زمان بسیاری را در باب مسایل تاریخی صرف می کنند و عقاید خود را در زمینه های اعتراض آمیز به گذشته ابراز می دارند. در واقع این به نوعی اجماع عمومی در آفرینندگی و آموزش است. همچنین تاریخ جایگزین می تواند به ار تقای قوه تعقل، تخیل و ابتکار اجتماعی بیانجامد (نورائی، <http://localhistory.ir>).

انواع زمان ها در تاریخ جایگزین عبارتند از: گذشته در گذشته، گذشته در حال، گذشته در آینده، آینده در گذشته، آینده در حال، آینده در آینده، حال در گذشته، حال در آینده (همان). با تامل در گزینه های مزبور می توان دریافت که به غیر از دو مورد نخست، بقیه ی موارد در حوزه ی آینده پژوهی قرار می گیرد. در هر حال در ردیابی تاریخ در عرصه تاریخ جایگزین در طول زمان می توان دغدغه های بزرگ هر جامعه ای را در یافت.

آینده پژوهی در تاریخ شفاهی؛ (Futurology in oral history)

از اواسط قرن نوزدهم میلادی، با اختراع دستگاه ضبط صوت و ضبط خاطرات به روش مصاحبه، یکی از روش های مهم تاریخ نگاری یعنی تاریخ شفاهی به وجود آمد. تاریخ نگاران دریافتند که می توانند از این وسیله استفاده های فراوانی ببرند و پس از ضبط صدا، آن را به مانند اسناد در کنار هم قرار دهند و یک واقعه پنهان یا یک رخداد تاریخی را بازسازی نمایند. (دهقان، ۱۳۸۶: ۲۶۰) تاریخ شفاهی از زمان اختراع ضبط صوت در سال ۱۹۴۸ م و شکل گیری اولین نسل از تاریخ شفاهی دانان تا کنون چهار دوره ی متمایز را پشت سر گذاشته است. اولین نسل تاریخ شفاهی مصاحبه با نخبگان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بود. دومین نسل تاریخ شفاهی رویکرد اجتماعی بیشتری داشت و تاریخ شفاهی را در میان عامه مردم گسترش داد. گرایش نسل سوم به عمومی سازی تاریخ شفاهی نه از لحاظ مصاحبه بلکه شناساندن به اجتماع بود و مراکزی مانند موزه ها و کتابخانه ها نقش فعالتری در تاریخ شفاهی ایفا نمودند. بالاخره نسل



چهارم تاریخ شفاهی، نسل آکادمیک و دانشگاهی است. در این دوره تاریخ شفاهی ادبیات خاص خود را پیدا نمود و جای خود را در برنامه های آموزشی دانشگاهی پیدا کرد. (حسن آبادی، ۱۳۸۵: ۲۹-۲۶)

تاریخ شفاهی راهی برای رهایی از نخبه گرایی در تاریخ نگاری و همچنین تمرکززدایی از آن می باشد. تاریخ شفاهی می تواند فرصت ثبت و نگارش را برای همه ی کسانی که قدرت و نفوذ لازم را برای نوشته شدن ندارند، فراهم سازد. چیزی که تاریخ نگاری معمول و مرسوم در طول قرن ها از آن غفلت نموده است و تا حد زیادی هم از چنین ظرفیت و توانایی عاری بوده است. تاریخ شفاهی راهی برای وارد کردن مردمی است که قبلا در خلق اسناد گذشته شان مشارکت نداشته اند و آن فرصتی برای دموکراتیک کردن طبیعت تاریخ است که نه تنها با مصاحبه کردن با آنها بلکه با دیدن آنها انجام می شود و پیش درآمدی به روشی است که به مردم اجازه می دهد مفاهیم شان از تجربیات گذشته شان را در روشی ساختاربندی شده بیان کنند.

محققان از تاریخ شفاهی با عنوان تاریخ استراتژیک یاد می کنند، چرا که تاریخ شفاهی تاریخ آینده محور است. توسط تاریخ شفاهی می توان هسته ی سخت جوامع را پیدا نمود و آن را مهندسی کرد. مطالعات تاریخ شفاهی به یافتن پروژه هایی جهت راهبرد جوامع در آینده کمک می کند. محصولات تاریخ شفاهی، به دلیل کانال های خبری متعدد و متکثر آن، فرگیر است. بنابراین می توان از آن در جهت برنامه ریزی راهبردی و راهیابی جوامع استفاده نمود. به علاوه، بحران شناسی از کارکردهای تاریخ شفاهی می باشد و برای مدیریت بحران و بحران مدیریت می توان از آن یاری جست. با توجه به این که هر زمانی زبان گفتگوی خودش با آینده را تشخیص می دهد؛ تاریخ شفاهی، راهی برای گفتگو با آینده است (نورائی، مباحث کلاسی تاریخ شفاهی، ۱۳۹۱). عصر حاضر، تاریخ شفاهی را به عنوان زبان گفتگوی خودش با آینده انتخاب کرده است. لذا تاریخ شفاهی زبان گفتگوی مورخین امروز با آینده می باشد.

کلام آخر

مورخان از همان بدو پیدایش علم تاریخ، این علم را صرفا مربوط به وقایع گذشته و سپری شده ی جوامع بشری نمی پنداشتند، بلکه آنان بر این باور بودند که هدف از مطالعه ی تاریخ عبرت آموزی از گذشته به منظور جلوگیری از تکرار اشتباهات در آینده می باشد. مورخان بر این باور بودند که با مطالعه ی تاریخ می توان آینده را در مسیر بهتری هدایت نمود. به این صورت که از وقوع آینده ی نامطلوب پیشگیری نمود و آینده ی مرجح را رقم زد. به عبارت بهتر، گذشته چراغ راه آینده بود.

در سده ها و دهه های اخیر مورخان بر آن شدند تا با نحله ها و گونه های جدید تاریخ نگاری، همچون تاریخ محلی، تاریخ شفاهی و تاریخ جایگزین، به شناسایی معضلات و چالش های پیش روی آینده ی بشریت پرداخته و به ارائه ی راهکارهای مقابله با آن بپردازند. محققان تاریخ پس از جنگ جهانی دوم، نه تنها در صدد برآمدن تا از تکرار چنین حوادث مهیبی در آینده جلوگیری نمایند، بلکه بر آن شدند تا به ترسیم آینده های بدیل و جایگزین برای بشریت باشند. مورخان می کوشند تا با شناسایی ذائقه ها و سلیق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی شهروندان به مهندسی جامعه پرداخته و کارگزاران جوامع و شهروندان را در ایجاد آینده های مطلوب یاری رسانند.



منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی (بی تا)؛ تاریخ کامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، ج ۱، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۶)؛ درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، تهران: سمت.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۶۳)؛ تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.
- بلعمی (۱۳۷۴)؛ تاریخنامه طبری، تصحیح و تحشیه محمد روشن، ج ۱، تهران: سروش.
- بیهقی، ابوالحسن علی ابن زید(ابن فندق) (بی تا)؛ تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار، مقدمه قزوینی، بی جا: کتابفروشی فروغی.
- حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۵)؛ تاریخ شفاهی در ایران؛ مشهد: آستان قدس رضوی.
- حقیقت، عبدالرفیع (رفیع) (۱۳۷۸)؛ نقش ایرانیان در تاریخ تمدن جهان، تهران: کومش.
- خزائی، سعید و امیر محمود زاده (۱۳۹۲)؛ آینده پژوهی، اصفهان: علم آفرین، پارس ضیاء.
- دهقان، احمد (۱۳۸۶)؛ خاک و خاطره؛ تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.
- رشید الدین فضل الله (۱۳۳۸)؛ جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، ج ۱، تهران: اقبال و شرکاء.
- رایبسون، چارلز الکساندر (۱۳۷۰)؛ تاریخ باستان، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)؛ تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر.
- نورائی، مرتضی (۱۳۹۱)؛ مباحث کلاس دوره دکتری تاریخ محلی در دانشگاه اصفهان.
-(۱۳۹۲)؛ http://localhistory.ir/nouraei/1392/08/30/alternate_history
- محمود زاده، امیر و دیگران (۱۳۹۲)؛ روش های تحلیل آینده با رویکردی راهبردی، اصفهان: پارس ضیاء، علم آفرین.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۸۹)؛ تجارب الامم، ترجمه و تحشیه ابوالقاسم امامی، ج ۱، تهران: سروش.

http://localhistory.ir/nouraei/1392/08/30/alternate_history